

مقدمه

تحولات جمعیتی و پیامدهای آن در مقیاس جهانی، ریشه در بوم‌شناسی اجتماعی کشورها دارد. امروزه در شهرهای بزرگ با آنکه سطح زندگی و میزان مصرف بالاتر از دیگر نقاط است، به سبب رشد روحیه فردی و نبود احساس وابستگی به محل و نداشتن ارتباط و دوستی با همسایگان، هم‌محلی‌ها، همشهری‌ها و نبود نظارت بر جامعه، به دلیل بی‌نام و نشان بودن شهروندان و بخصوص سست بودن عقاید مذهبی، ناراحتی‌های روحی و روانی و جرایم افزایش یافته و بسیاری از انحرافات بروز کرده است؛ تا آنجاکه امروزه، می‌توان شهرها را مکانی پاره‌پاره و دستخوش هرج و مرج دانست که در آنها توجه به مقوله پایداری اجتماعی و حفظ تعاملات، به رویایی دست‌نیافتنی تبدیل شده است. از نظر اجتماعی - فرهنگی آرامش از شهر ماشین‌گرایی امروزی سلب شده و نظم اجتماعی و روانی شهر به هم ریخته است. بزهکاری، کج رفتاری و جنایت به شاخصه اجتماعی شهر بدل شده است و در محله‌های جدید شهری برخلاف گذشته، حیات اجتماعی به مفهوم واقعی کلمه وجود ندارد و مراکز محله‌ها به مکانی برای تأمین نیازهای مادی بدل شده است (شیعه، ۱۳۸۰، ص ۳۳). تضاد روزافزون شهر و روستا با افزایش جنبه‌های پرزرق‌وبرق زندگی شهر فزونی یافته که خود عامل مهاجرپذیری شهرها در مقیاس کلان گشته است، درحالی‌که مهاجران به سبب ریشه‌ها و علاقه‌های گوناگون فرهنگی به نوعی، مسخ شهرها شده‌اند و عامل شکل‌دهی به توسعه فضایی شهر در قالب الگوهای دینامیکی نامطلوب شده‌اند.

امروزه در مقیاس جهانی و از منظر بوم‌شناختی شهری، این شهر را با نام شهر پست‌متروپلیتن می‌شناسند. مجتهدزاده از شهر پست‌متروپلیتن به سبب وجود موزاییک‌های فرهنگی و ناهمگنی جمعیتی با عنوان کاسموپولیتن (Coasmpolitan) یاد می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۳، ص ۱۲) که نزدیک‌ترین معادل فارسی این اصطلاح، جهان‌شهر می‌باشد. سوزان تامپسون در تحلیل تغییرات اجتماعی - فرهنگی در این شهرها مفهوم جدیدی به نام شهر چندلایه به کار می‌برد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳). اما آیا می‌توان از شهر ایرانی با نام شهری پست‌متروپلیتن نام برد؟ نکته مهم درباره شهرنشینی درحال گذار و زاینده اضطراب در کشور ما این است که جنبه‌هایی از شخصیت یک شهر پست‌متروپلیتن در ابعاد، اندازه، کالبد و فرایندهای عمده بوم‌شناختی اجتماعی، در شهر ایرانی مشاهده شدنی است، اما کاربرد مطلق و فراگیر این عنوان برای شهر ایرانی به‌دور از ابهام نیست با وجود این در کشور ما شهرنشینی با آسیب‌های اجتماعی فراوانی روبه‌روست تاجایی‌که امروزه، در واژه شهر و شفا تردید می‌شود. فزونی آسیب‌های اجتماعی در شهرها عامل شدت‌بخشی به ناپایداری اجتماعی و فرسایش روابط انسانی گشته و

ناپایداری اجتماعی در بوم‌شهر ایرانی و آثار جمعیتی آن

مصطفی محمدی ده‌چشمه*

چکیده

شهر و شهرنشینی در آغاز سده بیست و یکم، که عصر پست‌مدرن، عصر جهانی‌شدن، عصر پست‌متروپلیتن و... نام گرفته است، در معرض تحولات بنیادی کمی و کیفی فراوانی قرار گرفته است. تمدن کنونی بیش از پیش شهری شده و تحولات جمعیتی و لایه‌بندی‌های اجتماعی، پیامدهای ناگواری را بر پیکر هستی اجتماعی وارد آورده است. ابعاد سکونتگاه‌های شهری روزبه‌روز پیچیده‌تر و به تبع آن مخاطرات انسانی در زیست‌بوم‌های شهری متبلور شده است. درحقیقت امروزه، در شهرها با نوعی مغایرت زمان روبه‌رو هستیم که در آن:

۱. خانه‌های بزرگتر داریم و خانواده‌های کوچکتر، راحتی بیشتر و زمان کمتر؛ ۲. متخصص بیشتر و مشکلات بیشتر، داروی بیشتر و سلامتی کمتر؛ ۳. بیشتر خرج می‌کنیم و کمتر داریم، بیشتر می‌خریم و کمتر لذت می‌بریم؛ ۴. ساختمان بلندتر و طبع کوتاه‌تر داریم، بزرگراه‌های پهن‌تر و دیدگاه‌های باریک‌تر داریم؛ ۵. بیشتر می‌نویسیم و کمتر یاد می‌گیریم، بیشتر برنامه‌ریزی می‌کنیم و کمتر اجرا؛ ۶. فرصت بیشتر و تفریح کمتر داریم، تنوع غذایی بیشتر و تغذیه ناسالم‌تر داریم؛ ۷. درآمد بیشتر و طلاق بیشتر داریم، منازل رویایی و خانواده‌های ازهم‌پاشیده‌تر داریم.

این مقاله با رویکرد پاتولوژیک و روش تحلیلی، می‌کوشد واقعیت‌های اجتماعی و عمدتاً چندبعدی حاکم بر حیات شهرها، به‌ویژه شهرهای ایران در عصر پست‌متروپلیتن را تبیین کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که تحولات جمعیتی در دهه‌های اخیر و به تبع آن توپوگرافی اجتماعی ناهمگون شهری، مهاجرت، جدایی‌گزینی اجتماعی، حاشیه‌نشینی و نارسایی در ارائه خدمات، آسیب‌های اجتماعی و توجه‌نکردن به مقوله مهندسی اجتماعی از مهم‌ترین عوامل مخاطرات انسانی در شهرهای کشور است. کلیدواژه‌ها: شهر، ناپایداری اجتماعی، مخاطرات انسانی، بوم‌شهر ایرانی.

یک پارچگی گذشته در شهرهای کشور به خودمحوری تبدیل شده است، تاجایی که به سبب رکود روابط و هم‌بستگی های شهری، حیات شهرنشینی کشور در عصر پست‌متروپولیتن را عصر انجماد شهری لقب می‌دهند (رهنمایی، ۱۳۸۶).

۱-۱- هدف تحقیق

شناخت عوامل اثربخش در ناپایداری اجتماعی شهرهای قرن بیست‌ویکم با تأکید بر شهرهای ایران، هدف اصلی این تحقیق است.

۲- دربارهٔ پایداری شهری و ناپایداری اجتماعی

بوم‌شهر زنده، شهری است که بتوان در آن زندگی ای سالم تجربه کرد. فضایی که قابلیت جابه‌جایی از مکانی به مکان دیگر را داشته باشد. این شهر باید زیبا، با ارزش و امن بوده، دسترسی به محوطه های باز و فضای سبز را امکان‌پذیر سازد؛ همچنین حکم پلی ارتباطی میان گذشته و آینده ساکنان آن باشد. امروزه از ترکیب آرمان‌های یادشده، از شهر پایدار با نام شهر اکولوژیک یاد می‌کنند که به الگووارهٔ جدیدی در زبان علمی، بحث پایداری اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تبدیل شده و کالبدی نو پیش‌روی متفکران علوم مختلف قرار داده است.

برانت لند واژهٔ پایداری را که برای نخستین بار به‌طور رسمی در قالب الگووارهٔ توسعهٔ پایدار در سال ۱۹۸۷ و در گزارش «آیندهٔ مشترک ما» مطرح شد، برای اداره و بهره‌برداری صحیح و کارا از منابع پایه، طبیعی، مالی و نیروی انسانی برای دستیابی به الگوی مصرف مطلوب عرضه کرد (Roseland, 1997). این واژه امروزه ابعاد گسترده‌ای دربرمی‌گیرد که پایداری شهری از آن جمله است (محمدی و محمدی ده‌چشمه، ۱۳۸۵). واژهٔ شهر پایدار دربردارندهٔ مفهومی گسترده است. صرافی بنیادهای شهر پایدار را در هفت بعد بررسی کرده است (صرافی، ۱۳۸۰) که عبارت‌اند از: اقتصاد شهری پایدار؛ جامعهٔ شهری پایدار؛ سرپناه شهری پایدار؛ محیط‌زیست شهری پایدار؛ دسترس شهری پایدار؛ زندگی شهری پایدار؛ و مردم‌سالاری شهری پایدار.

پایداری اجتماعی شهری مستلزم اقتصاد، محیط‌زیست و زندگی پایدار شهری و سایر ابعاد پایداری است که در مجموع از آن به مثابهٔ برابری درون‌نسلی و اصل عدالت اجتماعی و برابری برون‌نسلی و اصل نسل آینده یاد می‌کنند (Register, 2002). در مجموع منظور از پایداری اجتماعی هم‌بستگی و یک‌پارچگی اجتماعی، کار و درآمد مناسب، اکوسیستم با ثبات، در دسترس بودن مسکن مناسب و با

کیفیت، شأن شهروندی و مشارکت در امور شهر، امنیت و رفاه (در ابعاد گوناگون)، برابری و تعادل در داشتن مکان، دسترسی به امکانات و خدمات موردنیاز و... است.

پایداری اجتماعی متشکل از اولویت‌های زیر است:

۱. نیازهای اساسی به غذا، سرپناه، آموزش، شغل، درآمد و همهٔ شرایط زندگی؛
۲. عدالت‌خواهی و مساوات‌طلبی؛
۳. افزایش رفاه فیزیکی، ذهنی و اجتماعی؛
۴. حفظ میراث فرهنگی و زیستی؛
۵. مردم‌سالاری و مشارکت‌پذیری (شکوئی و کاظمی محمدی، ۱۳۸۱).

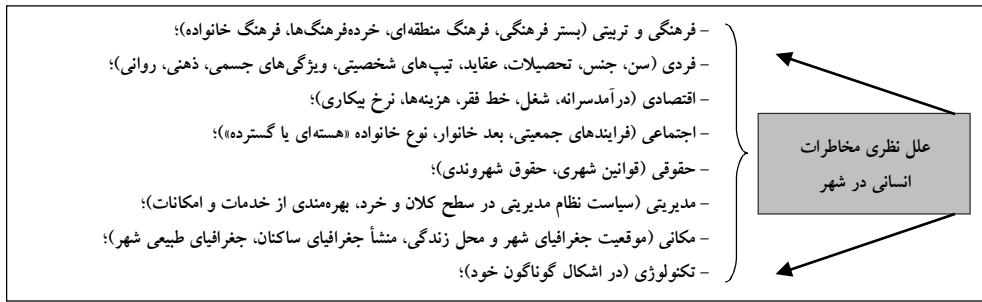
نکتهٔ مهم اینکه مجموع این ویژگی های آرمانی و اکولوژیک را کمتر می‌توان به‌صورت جامع در شهرهای قرن بیست و یکمی مشاهده کرد. مسائل و مشکلات اقتصادی (فقر، بیکاری و بدکاری و...)، اجتماعی (جرم و جنایت، طلاق، ناهمگنی جمعیت، قومیت‌گرایی و...) و کالبدی (وجود بافت های ناکارآمد شهری، زاعنه‌نشینی و...) دستیابی به این شرایط متصور آرمانی را مشکل کرده است. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین و شاخص‌ترین معضل شهرها امروزی دوگانگی و تضاد آن باشد. شکل‌گیری دو مدار سیستمی مجزا و با مرزبندی‌های پیدا و پنهان و لایه‌بندی‌های اجتماعی - اقتصادی قابل لمس در شهرها که عمدتاً از آن با نام‌هایی چون (شهر آفتاب‌گیر و شهر برف‌گیر)، (شهر طلا و نقره) و (شهر روشنایی‌ها و شهر تاریکی‌ها) یاد می‌کنند (شکوئی، ۱۳۸۳، ص ۴۸۲)، گواهی است بر این دوگانگی‌ها در شهرها. دوگانگی‌هایی که در قالب دو فرهنگ، دو کالبد و دو اقتصاد می‌گنجند.

بدین منوال شاخصه‌های ناپایداری اجتماعی در بوم‌شهرهای امروزی را می‌توان در قالب ناامنی و افزایش جرم و جنایت، ناهمگنی و بیگانگی، وندالیسم، قانون‌گریزی و کج‌رفتاری، فزونی آسیب‌های اجتماعی چون بزهکاری، خودکشی، طلاق و سست شدن بنیان خانوادگی، فقر و تنگ‌دستی، بیکاری و بدکاری، جدایی‌گزینی، سازمان‌شکنی اجتماعی و ناهمگنی جمعیتی، شکل‌گیری طبقات و توپوگرافی ناهمگون اجتماعی، بی‌مسکنی، بدمسکنی و حاشیه‌نشینی، تمرکز، تراکم، پس‌افتادگی فرهنگ شهری (ترافیک، آپارتمان‌نشینی، مشارکت) و... مشاهده کرد.

۳- ناپایداری اجتماعی؛ دیدگاه‌ها و نظریات

بررسی موضوع ناپایداری انسانی (اجتماعی و اخلاقی) در شهرها و دلایل افزایش و کاهش آن از لحاظ نظری سیر تاریخی نه‌چندان طولانی‌ای دارند. گذشته از پاره‌ای اشارات تاریخی و اجتماعی، در میان

شکل (شماره ۱) علل نظری ناپایداری اجتماعی در جوامع شهری



۴. چرا ناپایداری اجتماعی؟

در عصر پست‌متروپلیتن تصویر جدیدی از شهر مبتنی بر شناخت روابط چندگانه شبکه‌ای در حال شکل‌گیری است که دوام و پایداری آن حاصل روابط متقابل و پویایی زندگی اجتماعات و گروه‌های ناهمگن جمعیتی در شهر است. امروز دیگر مفهوم شهر خودکنترل، یک‌پارچه و تک‌اندام در یک دنیای چندگانه با روابط جهانی شده دوام چندانی نخواهد آورد. به نظر برخی پژوهشگران، شهرهای امروزی به پدیده‌های تجزیه‌شده، چندگانه، بی‌نظم و آشوب‌ناک تبدیل شده‌اند (تقوایی و محمدی ده‌چشمه، ۱۳۸۵) که رویارویی آنان با آسیب‌های اجتماعی امری اجتناب‌ناپذیر است. امروزه کاهش هم‌بستگی و انسجام شهری و شهروندی به ظهور اشکال گوناگونی از ناهنجاری و بیماری رفتاری و حتی در سطحی بالاتر، پیدایش جرایم شهری و اختلال در نظام روابط جمعی و کارکردی منجر شده است؛ افزایش میزان جرایم شهری، فزونی میزان ناهنجاری‌های رفتاری و روانی، تغییر کارکرد خانواده‌ها، کاهش احساس مسئولیت مشترک اجتماعی و مشارکت شهری، رواج فرهنگ فردگرایی و خودمحوری، فقدان انسجام و نظم پایدار در تعاملات انسانی، فزونی فقر و تضاد طبقاتی و موارد مشابه متعدد، به‌نوعی مبحث ناپایداری اجتماعی را بازگو می‌کنند. اما به‌راستی ریشه ناپایداری اجتماعی بوم‌شهر ایرانی در چیست؟

۴-۱. تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات (ICT) و مخاطرات انسانی بوم‌شهر ایرانی

روند توسعه شهری در هزاره سوم به شدت متأثر از پیشرفت‌های تکنولوژیک قرار دارد و بی‌شک این تحولات مؤثرترین عامل سازماندهی به مناسبات شهری می‌باشند. تکنولوژی جدید با انقلابی در نظام ارتباطات و اطلاعات، روابط اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی را به جریان‌هایی در کانال‌های الکترونیک تبدیل کرده است که در آن هرگونه تعامل در شهرها به مقوله‌های ظاهراً

آثار فلاسفه یونانی و مورخان مسلمان، ابن‌خلدون برای نخستین‌بار به شکلی عالمانه، موضوع حیات اجتماعی را در شهر بررسی کرده است. وی در تبیین واقعیت‌های جاری در حیات شهری و تخریب فرهنگ انسانی و جایگزین شدن الگوهای خاص از منفعت‌طلبی و فردگرایی و کاهش حمایت مشترک در قبال همدیگر، دلایلی مانند: ماهیت زندگی مدنی در شهرها، فزونی جمعیت و رویارویی متعدد شهروندان، رشد فرهنگ رفاه و تن‌آسایی و رواج فرهنگ خودخواهانه برخاسته از فرهنگ شکوه و جلال شهری را ذکر می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۳، ص ۶۰). پاره‌ای از محققان چون زمیمل، تونیس و ورث نیز به موضع دگرگونی‌های بنیادی در ارکان زندگی شهری و پیدایش اشکال جدید از مناسبات شهری توجه کرده. نوشته زمیمل (۱۹۰۵) با عنوان «کلان‌شهرها و زندگی ذهنی» و مقاله لویس ورث (۱۹۳۸) با عنوان «شهرنشینی باعنوان شیوه خاصی از زندگی» دو نمونه در تبیین روابط اجتماعی تغییرشکل‌یافته در شهرهای جدید می‌باشند. از نظر زمیمل زندگی شهری مجموعه‌هایی از مبادلات است که در آن هر شخص ممکن است این پرسش را برای خود مطرح کند که چه چیزی نصیب او می‌شود و ارزش آن چه اندازه است و نتیجه این فردگرایی از نظر وی فقدان احساس مسئولیت و مراقبت کافی مردم در قبال همدیگر در شهرهای امروزی است (موسوی، ۱۳۸۱). نگاه مکتب شیکاگو (در نظریات جدید) به شهر، که از آن به‌عنوان محیط‌شناسی شهری نیز یاد می‌کنند، نگاهی انتقادی و بحث‌برانگیز است. این دیدگاه با قیاس انداموارگی، شهر را همچون پهنه‌ای جغرافیایی در نظر می‌گیرد که در آن جریان‌ات اکولوژیکی همچون جامعه گیاهی و حیوانی رخ می‌دهند. انگیزه‌های اصلی اجتماعی توجیه‌کننده این مکتب، رشد سرسام‌آور جمعیت شهری، ورود مهاجران، ناهمگنی جمعیت، جدایی‌گزینی اجتماعی و درکل معضلات روزافزون اجتماعی در شهرها است (توسلی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۷).

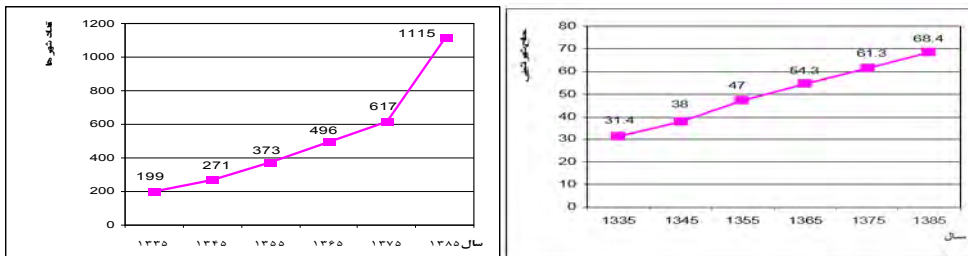
نگاه انتقادی به فرایندهای جمعیتی حاکم بر حیات شهر در دیدگاه نظریه‌پردازان کلاسیک ابن‌خلدون با مبحث عصبيت و تجمل‌گرایی، تونیس با مبحث جامعه و اجتماع، دورکیم با مبحث هم‌بستگی ارگانیک و مکانیک و زمیمل با مبحث حسابگری شهری و نظریه‌پردازان معاصر (پارک با مبحث اجتماع و جامعه، ورث با شهرنشینی و شیوه زندگی، برگس با ساخت اکولوژیک شهر و...) درخور تأمل می‌باشند. جایی که به نظر می‌رسد این نظریه‌پردازان با نگاه بدبینانه و واقع‌گرایانه فراتر از ظرف مکان و مظروف زمان، شهر پست‌متروپلیتن امروز را تصویر کرده و با آمال رفورمیستی، ناپایداری اجتماعی موجود در شهر آن دوران و پست‌متروپل امروز را به چالش کشیده‌اند. در مجموع، علل نظری ناپایداری اجتماعی در جوامع شهری راه، که در دیدگاه‌های کلاسیک و معاصر بدان اشاره شده است، می‌توان در شکل (شماره ۱) نشان داد.

کشور نیز از ۱۹۹ کانون شهری در سال ۱۳۳۵ به ۱۱۱۵ کانون شهری در سال ۱۳۸۵ رسید که این تحول ناشی از گسترش شتابان شهرنشینی در کشور است.

جدول (شماره ۱): سطح شهرنشینی و تحولات شهری کشور طی دوره‌های سرشماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵

عنوان	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
سطح شهرنشینی (درصد)	۳۱/۴	۳۸	۴۷	۵۴/۳	۶۱/۳	۶۸
تعداد شهرها	۱۹۹	۲۷۱	۳۷۳	۴۹۶	۶۱۷	۱۱۱۵

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری ۱۳۳۵ - ۱۳۸۵



نمودار (شماره ۱): میزان شهرنشینی و تعداد شهرهای کشور میان سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵

در کل، ویژگی‌های نظام شهرنشینی کشور را که بر نابایداری اجتماعی بوم‌شهرها اثربخش بوده‌اند را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

۱. افزایش شمار و اندازه شهرهای بزرگ و گسترش خارج از کنترل مجموعه‌های شهری کشور؛

۲. شکل‌گیری کانون‌های شهری کوتاه‌اندام بدون شخصیت شهری و روستایی شدن شهرها؛

۳. تفاوت‌یابی روزافزون شهر و روستا و عینیت آن در بازتوزیع وسیع جمعیت.

روند روبه‌رشد شهرنشینی در دهه‌های اخیر، همگام با مهاجرت‌های شدید روستا - شهری و تحولات اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و جمعیتی در نظام شهرنشینی در حال گذر و شتابان کشور، انباشت چشم‌داشت‌های جدید در محیط‌های شهری و فقدان روش‌های جایگزین اجتماعی و فرهنگی و راهکارهای فضاسازی نامناسب بر آن، عاملی شد که در شهرهای کشور (به‌ویژه کلان‌شهرها) افزون بر توسعه فیزیکی و فضایی ناموزون، به مقوله پایداری اجتماعی کمتر توجه شود تا بدین ترتیب، شاهد افول کیفی حیات اجتماعی شهرهایمان باشیم.

شاخص‌های مخاطرات انسانی در بوم‌شهرهای ایران

امروزه در تحلیل پویای خطرپذیری انسانی در جامعه شهری ایران و بررسی دینامیزم شهرنشینی از جنبه آسیب‌شناسی شهرها، توجه به جریان‌های اکولوژیکی شهری، مانند مهاجرت و حاشیه‌نشینی، ناهمگنی و بیگانگی شهری، دسترسی غیرمؤثر به خدمات اجتماعی و نابایداری‌های رفتاری، همچون کج‌رفتاری،

بی‌مکانی تبدیل شده‌اند (ضرابی و رحیمی، ۱۳۸۲). در پرتو این تحولات جوامع انسانی خصلتی الکترونیک یافته‌اند که در آن مرزهای واقعیت و خیال، یا فضاها واقعی و مجازی درهم آمیخته شده‌اند و به تازگی آن را با نام‌هایی چون (e city) و (Cyber City) می‌شناسند. در شهر الکترونیک فعالیت‌هایی از قبیل بانکی (پرداخت قبوض، انتقال پول و...)، تجاری (خرید و فروش کالا)، تفریحی (بازی‌های رایانه‌ای)، آموزشی (مراکز آموزش مجازی) و... به صورت کاملاً الکترونیک و بدون کمترین تعامل اجتماعی میان مردم انجام می‌گیرد که به‌رغم همه محاسن، زمینه کاهش مناسبات اجتماعی، انزوایی و فردگرایی را در میان ساکنان شهرها رواج داده است. ماشین‌گرایی قوام و اساس خانواده‌ها را برهم زده است به‌اندازه‌ای که دید و بازدیدها به ارتباطات الکترونیکی (E-mail) و ارتباطات صوتی (تلفن) محدود شده است (شیعه، ۱۳۸۰، ص ۳۳) و خویشان، آشنایان، فرزندان و والدین به‌جای حس گرم حضور، با یک‌دیگر ارتباط غیرحضور یافته‌اند و زمان برای ملاقات حضوری کمتر و کمتر شده است. پرسشی که اینجا مطرح است این‌که آیا ما آدمیان فقط وسیله‌ای برای تولید مصنوعات خود هستیم، مصنوعاتی که به تدریج بر ما پیشی می‌گیرند و ما را به نیستی می‌کشانند؟

۴-۲. مروری بر رشد جمعیت شهری و تحولات شهرنشینی در ایران

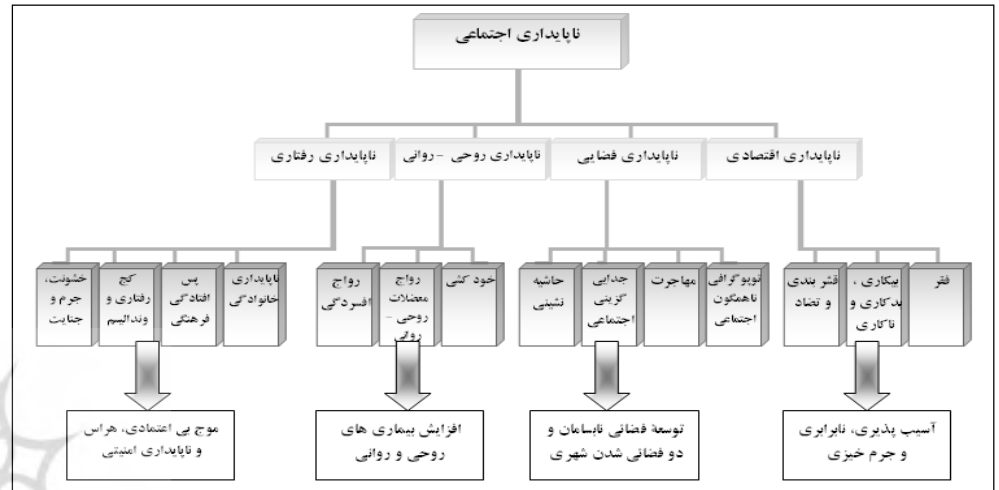
بررسی تحولات جهان در چند دهه اخیر گویای این واقعیت است که شهر و شهرنشینی در آغاز سده بیست‌ویکم در معرض تغییرات بنیادی کمی و کیفی قرار گرفته است. تمدن کنونی بیش از پیش شهری شده و ابعاد سکونتگاه‌های شهری روزبه‌روز پیچیده‌تر و به تبع آن معضلات و آسیب‌های شهری فزونی یافته‌اند. نگاهی به رشد شهری و تحولات شهرنشینی در کشور، بیشتر گویای این واقعیت است؛ چراکه گسترش شهرنشینی و رابطه آن با نابایداری اجتماعی و اقتصادی از مشخصه‌های الگوی توسعه شهری کشور در چند دهه اخیر است. مهم‌ترین روندهای حاکم بر الگوی توسعه شهرنشینی و تحول جمعیت شهری در عصر کنونی که از عوامل اصلی بروز نابایداری اجتماعی نیز می‌باشند، عبارت‌اند از:

۱. رشد شتابان شهرها و جمعیت شهرنشین؛ ۲. توزیع نامتعادل و ناموزون جمعیت شهری در شبکه شهرها.

تحولات شهری برون‌زا که عمدتاً شهرگرا و متمرکزطلب می‌باشند، در سده اخیر تحولات ساختاری شگرفی در نظام شهری و شهرنشینی ایران رقم زده‌اند. به‌طوری‌که جمعیت شهرنشین کشور از حدود ۲۰/۶ درصد در سال ۱۲۷۹ به بیش از ۶۸ درصد در سال ۱۳۸۵ رسید و شمار سکونتگاه‌های شهری

پرخاشگری و وندالیسم، ناپایداری و گسست در زندگی خانواده‌ها، مرزبندی‌های اجتماعی و توپوگرافی ناهمگون شهری لازم می‌نماید.

نمودار (شماره ۲) عوامل شکل‌دهی به ناپایداری اجتماعی در شهرهای کشور



توپوگرافی ناهمگون اجتماعی در شهر

امروزه زندگی اجتماعی در کلان شهرهای ما همه مرزهای جغرافیایی، نژادی و قومی را درنوردیده و نوگرایی را برای شهروندان به ارمغان آورده است که این پیامد توأم با مسائل اجتماعی فراوانی همچون وجود فواصل اجتماعی فزاینده در شهرها، ساختار ناهمگن جمعیتی، جدایی‌گزینی‌های فضایی و... بوده است. از این منظر دوگانگی و بی‌قرینگی خاصی در نظام شهری کشور دیده می‌شود؛ به‌نحوی که در نگاه کلی نظام ناموزون شبکه شهری کشور و از دیدگاه خاص، شهرهای کشور خود به‌نوعی گرفتار دوگانگی‌های اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی و کالبدی می‌باشند. وجود لایه‌بندی‌ها و مرزبندی‌های اجتماعی در شهرهای بزرگ کشور و پیدایش واژگانی چون «شمال شهر» و «جنوب شهر» گواهی بر این ادعاست.

در جغرافیای اجتماعی شهر، توپوگرافی اجتماعی مبنای سنجش منزلت شهروندی و جدایی‌گزینی اقبال مختلف ساکن شهرها از یکدیگر است که ممکن است به دلایل گوناگون صورت پذیرد. از نمونه شهرهای کشور با توپوگرافی ناهمگون اجتماعی می‌توان به شهرهای تهران، اصفهان، اهواز و همدان نام برد. توپوگرافی اجتماعی تهران با شیبی ملایم از شمال به جنوب و توپوگرافی همدان برخلاف بیشتر شهرهای کشور از جنوب به شمال است (رهنمایی، ۱۳۸۲)؛ درحالی که در شهر اهواز نیز توپوگرافی

اجتماعی را می‌توان شمالی - جنوبی دانست، در شهر اصفهان توپوگرافی اجتماعی شهر حالتی غربی - شرقی می‌یابد و شیب اجتماعی در شرق و غرب شهر به حد اکثر خود می‌رسد. توپوگرافی ناهمگون اجتماعی باعث دو گونه متفاوت حیات در شهرهای کشور می‌گردد، به‌گونه‌ای که از فرهنگ شهری، رژیم غذایی، آداب و رسوم، صحبت کردن، شغل، تحصیلات، درآمد، محل زندگی و کار، میزان ارتباطات، و جهت اجتماعی، امکانات زندگی، میزان قانون‌مداری و فرهنگ مشارکت شهروندان می‌توان موقعیت اجتماعی و محل زندگی افراد را تشخیص داد.

در دسترس بودن امکانات و خدمات از فاکتورهای مهم تعیین کننده در منزلت اجتماعی شهروندان است. این درحالی است که بخش چشمگیری از جامعه شهری کشور نارسایی خدمات شهری را تجربه می‌کند. میزان باسوادی، اشتغال، بهره‌مندی از شاخص‌های بهداشتی، درمانی و آموزشی، برخورداری از خدمات شهری چون آب، برق، گاز، تلفن و... از جمله نیازهای جامعه شهری کشور است که کمتر به‌طور فراگیر بدان توجه شده است، به‌گونه‌ای که با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه خدمات رسانی شهری، امروزه نزدیک ۴۰ درصد از شهرنشینان از خدمات بهداشتی (زیربنایی و روبنایی) و آموزشی بهینه بی‌بهره‌اند (ابراهیم‌زاده و نصیری، ۱۳۸۵).

مهاجرت، جدایی‌گزینی اجتماعی، حاشیه‌نشینی و مخاطرات انسانی بوم‌شهر

مهاجرت در حکم پدیده‌ای پیچیده با ابعاد اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی فراگیر است (زنجانی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۱)؛ فراگیر از آن جهت که خاص قاره، کشور یا منطقه ویژه‌ای نیست، ولی در کشور ما این مهاجرت‌ها به‌سبب جهت‌گیری آنها که عموماً پلکانی و از روستاها و شهرهای کوچک به‌سوی شهرهای بزرگ است، بیشتر عامل شکاف در ساختارهای شهری، مانند اشتغال، مسکن، ساختار اجتماعی جمعیت و... شده است. در تحلیل پویای اجتماعی جامعه شهری ایران طی دهه‌های اخیر، بررسی نقش مهاجرت در زمینه‌سازی برای پیدایش ناپایداری اجتماعی اهمیت فراوانی دارد. مهاجرت روستا-شهری در کشور، همواره با آسیب‌هایی در شهرها همراه بوده که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. آلودگی‌نشینی و حاشیه‌نشینی در شهرها (اسکان غیررسمی)؛
 ۲. ایجاد ناهمگونی در بافت اجتماعی و فرهنگی جامعه شهری هم‌زمان با روستایی شدن شهرها.
- از آنجایی که حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که محصول و نتیجه مستقیم مهاجرت شمرده می‌شود؛ از این‌رو، شناخت آن و پدیده‌های مرتبط نیز اهمیت فراوانی خواهد داشت. اسکان غیررسمی به‌سبب ایجاد فقر و گسترش آن و به‌مخاطره انداختن محیط‌زیست و تحمیل هزینه‌های سنگین برای حل

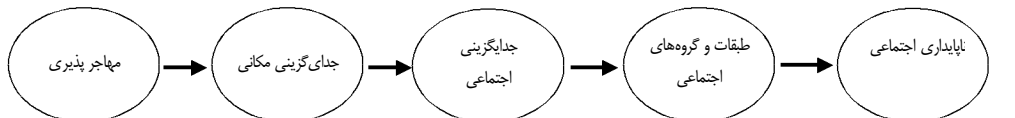
مشکلات، تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری به شمار می‌آید. حاشیه‌نشینی در واقع حاصل اشتغال حاشیه‌ای مهاجران است که با آن هرگز دستمزدشان کفاف یک زندگی حداقل را در درون شهر به آنان نمی‌دهد (اعتماد، ۱۳۶۳، ص ۱۰۱).

فرید زاغه‌ها و حلبی‌آبادها و حاشیه‌نشینی را اسف‌بارترین شکل توسعه درهم‌ویرهم و بی‌قواره شهرها می‌داند (فرید، ۱۳۷۵، ص ۱۶۴). در حالی که بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵، در کشور ۱۳۳۵۹ خانوار شهری حاشیه‌نشین بوده‌اند (علی‌اکبری، ۱۳۸۳). امروزه برآورد می‌شود که دست‌کم یک هشتم از جمعیت شهری ایران حاشیه‌نشین می‌باشند (ضرابی و همکاران، ۱۳۸۴). از مهم‌ترین ویژگی‌های حاشیه‌نشینی در کشور ما وجود سکونتگاه‌های نامتعارف و خودانگیخته در درون یا مجاور شهرها با منشأ روستایی و دهقانی آنان است. تحقیقات صورت‌گرفته در شهرهای بزرگ کشور، همچون تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، اهواز و بندرعباس حاکی از این واقعیت است که همواره بیش از هفتاد درصد از حاشیه‌نشینان از مهاجران روستایی‌اند (مشهدی‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۱۳۲). ویژگی‌های حاشیه‌نشینان در کشورمان که به نابایداری اجتماعی هرچه بیشتر شهرها دامن زده است عبارت است از:

۱. مسکن‌سازی شتاب‌زده، توسط استفاده‌کنندگان به سبب نداشتن پروانه ساخت و محیطی با کیفیت پایین زندگی و کمبود شدید خدمات و زیربنای شهری (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۲)؛
۲. پیوستگی عملکردی و گسست اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی با شهر اصلی؛
۳. منشأ فرهنگی روستایی با سطح سواد و آموزش پایین و بیکاری، بدکاری و ناکاری؛
۴. ترکیب جمعیتی جوان با ضریب آسیب‌پذیری بالا و بعد خانوار، تراکم در واحد مسکونی و رشد فراوان جمعیت؛
۵. فقر مادی و فرهنگی و در نتیجه گوشه‌گیری و انزوا.

از مهم‌ترین پیامدهای حاشیه‌نشینی در شهرهای کشور جدایی‌گزینی اجتماعی (social segregation) است که در این حالت حاشیه‌نشینان در محله‌هایی به‌طور خودجوش (متناسب با اشتراکات) ساکن و الگوی دینامیک ناموزونی را بر توسعه شهرها و اشغال زمین تحمیل کرده‌اند. از جمله شهرهایی که به تأثیر از رشد پرویزای جمعیت گرفتار الگوی توسعه فیزیکی ناخواسته‌اند، می‌توان به شهرهای تهران، اهواز، مشهد و تبریز اشاره کرد.

شکل (شماره ۲) جدایی‌گزینی اکولوژیکی، شکل‌گیری طبقات و نابایداری اجتماعی در شهرهای کشور



در نتیجه باید گفت جدایی‌گزینی اکولوژیکی در شهرهای کشور عمدتاً با جدایی‌گزینی مکانی یا فاصله فیزیکی (حاشیه‌نشینی) در ارتباط است که سرانجام کار به جدایی‌گزینی اجتماعی، شکل‌گیری طبقه‌های اجتماعی - اقتصادی و نابایداری اجتماعی شهر انجامیده است.

آسیب‌های اجتماعی و نابایداری اجتماعی در شهر ایرانی

شکل‌گیری نابهنجاری‌های اجتماعی، همچون سرقت، قتل و غارت، قاچاق، خودکشی، فحشا، اعتیاد، الکلیسم، وندالیسم و نظایر آنها را که به‌مثابه کج‌روی و انحراف در هنجارهای اجتماعی در شهرها تلقی می‌شوند، می‌توان با عنوان آسیب‌های اجتماعی جامعه شهری نام برد. پرداختن به مبحث نابایداری اجتماعی در جامعه شهری کشور، به‌ویژه زمانی ضرورت بیشتری می‌یابد که حجم کج‌رفتاری‌های مردم از سقف تحمل جامعه فراتر رود و نگرانی‌هایی ایجاد کند، گویی کلان‌شهرها آستانه تحمل و گذشت شهروندان را کاهش داده‌اند. در زمانه موجود که برخی هنجارشکنی‌ها، از جمله تخلفات رانندگی، سرقت، نابهنجاری‌های اخلاقی، اختلاس و رشوه‌خواری، تقلب، اعتیاد به مواد مخدر، ایدز، کودکان و زنان خیابانی، از حد معمول و آشنای جامعه فراتر رفته و نرخ فزاینده‌ای یافته است، این پرسش مطرح می‌شود که چرا مردم این همه کج‌رفتاری می‌کنند؟ (محسنی تبریزی، ۱۳۷۴).

امروزه در بخش‌های مشخصی از شهرهای بزرگ کشور نمونه‌هایی از آسیب‌های اجتماعی به‌روشنی مشاهده می‌شود. محل‌هایی برای خرید و فروش مواد مخدر، محل اجتماع و لگردان و جدال و درگیری آنان، محل‌هایی برای فساد و فحشا و... آمارها نشان می‌دهند که میزان آسیب‌های اجتماعی در کلان‌شهرهای کشور رو به افزایش است. چنانچه در دوره هشت ساله ۷۵-۱۳۸۲ میزان جرم و جنایت ثبت‌شده در مناطق شهری استان تهران ۶۷ درصد افزایش یافت و در این میان از زندانیان کشور، شهرهای تهران با ۱۱/۷ درصد و مشهد با ۶/۱۹ از کل، بیشترین شمار زندانی را دارا بودند (پورااحمد و همکاران، ۱۳۸۲).

طلاق به‌عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی که در عرصه خانوادگی اتفاق می‌افتد، از ناهنجاری‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی متأثر می‌شود و متقابلاً بر آنها اثر می‌گذارد و نمود واضح نابایداری خانوادگی است. داده‌های آماری نشان می‌دهند که طلاق از جمله آسیب‌های اجتماعی رشدیافته شهرهای کشور است به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۷۰ بیش از ۳۳ هزار و در سال ۱۳۷۸ بیش از ۴۵ هزار مورد طلاق در جوامع شهری کشور اتفاق افتاده است. بر اساس این آمار شهرهای استان تهران بالاترین میزان طلاق را در میان جوامع شهری کشور دارد؛ به‌گونه‌ای که در شهرهای استان تهران از هر هفت

ازدواج و در شهر تهران از هر چهار ازدواج یکی به طلاق می‌انجامد. افزایش طلاق به‌عنوان یک آفت اجتماعی در جوامع شهری کشور، سبب شد ایران جزو چهار کشور پرتالاق دنیا دسته‌بندی شود (علی‌اکبری، ۱۳۸۳). بررسی‌های صورت‌گرفته در مراکز استان کشور نشان می‌دهد که به‌طور متوسط، خانواده‌ها در همه این شهرها با یکی از انواع خشونت‌های خانوادگی (فیزیکی، روانی، جنسی و ناموسی، تهدید، بیگاری کشیدن و...) روبه‌رویند که از علل اصلی ناپایداری اجتماعی خانواده‌ها می‌باشند (وزارت کشور، ۱۳۸۳).

فقدان مهندسی اجتماعی شهری (Social Engineering) و مخاطرات انسانی در بوم شهر

اگرچه در کشور ما مسئله مهندسی اجتماعی به‌تازگی کانون توجه نظری قرار گرفته است، برای نخستین بار پوپر (Popper) از فیلسوفان قرن بیستم مکتب لیبرالیسم در کتاب **جامعه باز و دشمنان آن**، از مهندسی اجتماعی نام برد.

مهندسی اجتماعی چیست؟

مهندسی اجتماعی نوعی تفکر هنجاری، هدایت‌کننده و حمایتگر است که گذرگاه تازه‌ای می‌جوید تا همه شهروندان بتوانند در سراسر شهر به زندگی شایسته‌ای دست یابند و با ارائه چارچوب جدیدی کمبودهای جامعه شهری در ارتباط با ساختار فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی شهر را نمایان و عامل تعادل بخشی میان ساخت فیزیکی و اجتماعی شهر شود و درحقیقت، نوعی اعتراض صلح‌آمیز برای بسامانی حیات اجتماعی در شهر است (Cowling, 1999). درواقع زیست‌پذیر کردن محیط شهری برای گروه‌های ویژه اجتماعی و ایجاد حس امنیت، آسایش و زیبایی هدف این رویکرد و نگاه ایدئولوژیک به مناطق شهری و برخورد با مسائل شهری از موضع سیستمی رویکرد غالب آن را شکل می‌دهد (تقوایی، ۱۳۸۵). درحقیقت، مهندسی اجتماعی در شهر با رویکردی رفورمیستی به‌دنبال اصلاحات اجتماعی و برقراری عدالت فضایی فراگیر است و ابزار کاری آن نیز نوعی برنامه‌ریزی گام‌به‌گام است که در کشور ما کمتر بدان پرداخته می‌شود. توجه به مقوله مهندسی اجتماعی در کشور ما نقش چشمگیری در پایداری اجتماعی جامعه شهری دارد؛ چنان که غفلت از این موضوع یکی از عوامل بسترساز ناپایداری اجتماعی جامعه شهری شمرده می‌شود؛ زیرا توجه نکردن به نیازمندی گروه‌های سنی و جنسی کودکان، نوجوانان، جوانان و پیران و سالخورده‌گان، در نظر نگرفتن نیاز معلولان جسمی حرکتی، معلولان اجتماعی (معتادان و بزهکاران)، معلولان ذهنی روانی (بیماران روانی، معلولان ذهنی

و...)، انباشت انتظارات جدید در محیط‌های شهری و فقدان روش‌های جایگزین اجتماعی و فرهنگی (تفریح، سرگرمی و...) و بی‌توجهی به برنامه‌ریزی و توانمندسازی این گروه‌ها، زمینه‌انزوایی و جدایی این اقشار را از جامعه شهری فراهم می‌سازد و در نهایت، این کار به پیچیدگی‌های ناشی از ناپایداری اجتماعی در جامعه شهری دامن می‌زند.

نتایج و یافته‌ها

نسل شهری امروز در عرصه رویارویی و برخورد با فرآورده‌های تولید خود، ریسمانی بر گردنشان حس می‌کنند که روزبه‌روز گلویش را بیشتر می‌فشارد و در آن شهروندان شاهد گونه‌ای تفکر آمیخته با تأسف برای گذشته می‌باشند. امروزه در شهرهای بزرگ کشور با آنکه سطح زندگی و میزان مصرف از دیگر نقاط بالاتر است؛ به سبب رشد روحیه فردی و نبودن احساس وابستگی به محل و نبود ارتباط و دوستی با همسایگان، هم‌محلی‌ها، هم‌شهری‌ها و نبودن نظارت بر جامعه، به سبب بی‌نام و نشان بودن شهروندان و سست بودن عقاید مذهبی، ناراحتی‌های روحی و روانی و جرایم افزایش یافته، بسیاری از انحرافات شیوع و بروز کرده است. شکل‌گیری مبناهای ناپایداری اجتماعی در شهرهای کشور را باید در روند رو به رشد شهرنشینی و پیشرفت‌های تکنولوژی شهری دانست که عمدتاً نه‌تنها از درون جامعه شهری، بلکه عمدتاً متأثر از متغیرهای برون‌زا شکل گرفته است و مهم‌ترین آنها مهاجرت روستا-شهری و به تبع آن حاشیه‌نشینی، جدایی‌گزینی اجتماعی، ناهمگنی جمعیت، توپوگرافی ناهمگن اجتماعی و نارسایی در توزیع امکانات و خدمات شهری است و در پی آن شهروندان با نوعی پس‌افتادگی فرهنگی روبه‌رو شده‌اند که مصداق آن در فرهنگ ترافیک شهری، فرهنگ آپارتمان‌نشینی شهری، فرهنگ مشارکت شهری و... مشاهده می‌شود. از سوی، گسترش سطح و میزان شهرنشینی و گرد آمدن موزاییک‌های فرهنگی در شهر عاملی برای فزونی آسیب‌های اجتماعی و دلهره، هراس و آشفتگی زندگی شهروندان و به خطر انداختن سلامت جامعه شهری شده است. همچنین توجه نکردن به نیازمندی گروه‌های مختلف اجتماعی در قالب طبقات سنی و جنسی و نپرداختن به مقوله مهندسی اجتماعی در شهرهای کشور سبب تشدید ناپایداری اجتماعی شده است.

به‌طور کلی، ویژگی اصلی رویکرد شهری را می‌توان بر اساس نظریه تغییر اجتماعی تبیین کرد. این دیدگاه برای ریشه‌یابی آسیب‌های شهری به جای نگاه از بیرون برای یافتن علل بروز آسیب‌ها، بیشتر به درون و ساخت اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی جامعه شهری نگاه می‌کنند.

در این باره توزیع و تجهیز امکانات و خدمات در سطح شهرها با توجه به نیاز شهروندان مانع عمده‌ای در جلوگیری از تشدید تعارض‌های شهری و در نتیجه فرسایش روابط انسانی در سطح شهرهاست.

تعادل‌بخشی به روابط شهر و روستا برای افزایش ضریب ماندگاری جمعیت روستایی و کاهش ضریب بازتوزیع جمعیت می‌تواند عاملی برای وحدانیت اجتماعی- فرهنگی روستا و شهر و سرانجام پایداری اجتماعی آن باشد.

توجه به مقوله تعادل در فضا سازی و عدالت اجتماعی در شهرها و تعدیل نابرابری‌ها و دوگانگی‌های درون‌شهری و میان‌شهری عاملی برای توسعه پایداری اجتماعی در شهرهاست.

ریشه یابی آسیب‌های اجتماعی و برخورد ساختاری با آن، کشف ریشه‌های جرم نه برخورد با مجرم، و توجه به بحث آموزش و آگاهی خانواده‌ها و اقشار مختلف اجتماعی از آسیب‌ها، عامل کاهش انحرافات و افزایش هم‌بستگی‌های شهری است.

توجه به مقوله مهندسی اجتماعی و نیازهای سنی، جنسی، روحی و روانی، جسمی و ذهنی شهروندان و برنامه‌ریزی اجتماعی همسو با برنامه‌ریزی شهری، افزون بر تحریک دینامیزم شهری و حضور اقشار مختلف جامعه در فضای شهرها، عامل بالا رفتن میزان رضایتمندی شهروندان از مناسب‌سازی محیط شهرها می‌شود و در نهایت اقدامی است در جهت افزایش پایداری شهری.

منابع

ابراهیم‌زاده، عیسی و یوسف نصیری (بهار ۱۳۸۶) «شهرنشینی شتابان، روندها و پیامدها»، *اطلاعات سیاسی- اقتصادی*، ش ۲۳۷ و ۲۳۸. اعتماد، گیتی (۱۳۶۳)، *شهرنشینی در ایران*، تهران، آگاه.

پوراحمد و همکاران (۱۳۸۲)، «بررسی جغرافیای جرایم در شهر تهران»، *پژوهش‌های جغرافیایی*، ش ۴۴.

تقوایی، مسعود و مصطفی محمدی ده چشمه (منتشر نشده)، «تحلیلی بر فرآیند جهانی شدن و تأثیر آن بر سکونتگاه‌های شهری»، *اطلاعات سیاسی- اقتصادی*.

تقوایی، مسعود، (۱۳۸۵)، *درنامه جغرافیای شهری*، دوره کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان.

توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲)، *مبانی جامعه‌شناسی شهری*، تهران، دانشگاه پیام نور.

رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۱)، *مجموعه مباحث شهرسازی (جلد جغرافیا)*، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.

_____ (۱۳۸۶)، *درنامه نظریه‌های اجتماعی شهر*، دوره دکتری، دانشگاه تهران

زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، *مهاجرت*، تهران، سمت.

شکوهی، حسین (۱۳۶۹)، *جغرافیای اجتماعی شهر*، تهران، جهاد دانشگاهی.

شکوهی، حسین و سیدمهدی موسی کاظمی محمدی (۱۳۸۱)، «ارزیابی پایداری اجتماعی در شهر قم»، *پژوهش‌های جغرافیایی*، ش ۴۳.

شبیخه، اسماعیل (۱۳۸۲)، *با شهر و منطقه در ایران*، تهران، دانشگاه علم و صنعت.

صراف، مظفر (۱۳۸۸)، «بنیادهای توسعه پایدار شهری، همایش توسعه و ضد توسعه فرهنگی- اجتماعی شهر تهران»، *مجموعه مقالات شهرداری تهران*.

ضرابی، اصغر و همکاران (۱۳۸۴)، «تحلیل علل اقتصادی- اجتماعی حاشیه‌نشینی در اصفهان»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، ش ۲۳.

علی اکبری، اسماعیل (۱۳۸۳)، «توسعه شهری در ایران و آسیب‌شناسی اجتماعی»، *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*، ش ۴۸.

فریاد، بدالله (۱۳۳۸)، *جغرافیا و شهرشناسی*، تبریز دانشگاه تبریز.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، *انسان‌شناسی شهری*، تهران، نی.

مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران، سمت.

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۴)، *بررسی وندالیسم در تهران*، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.

محمدی ده چشمه، مصطفی و جمال محمدی (۱۳۸۵)، «ارزیابی پایداری شهری از منظر پارک‌ها در شهر اصفهان»، اصفهان، کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، *نتایج اولیه سرشماری عمومی نفوس و مسکن*.

مشهدی‌زاده دهقانی، ناصر (۱۳۸۱)، «تحلیلی بر ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران»، تهران، دانشگاه علم و صنعت.

موسوی، یعقوب (۱۳۸۱)، «پدیده کاهش همبستگی اجتماعی در کلان‌شهرها»، *پژوهش مدرس*، ش ۴.

مهدی‌زاده، جواد (۱۳۸۳)، «نظریات جامعه‌شناختی در مطالعات شهری»، *مجله جستارهای شهرسازی*، ش ۹.

وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۲)، *سند توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی*.

Cramptin, Mulligan (2005), *Population Growth in the world's largest cities*, Arizona University.

Cowling, Maurice (2006), *Piecemeal Social Engineering. The Spectator*, London, Sep. 18, p. 114.

Rosland, Mark (1997), *Dimention of the Eco- city*, v. 14.

Register. R, (2002), *Ecocities Building cities in Balaance with Nature*, Berkeley hill books.